

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جامعه شناسی (۱)

رشته های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

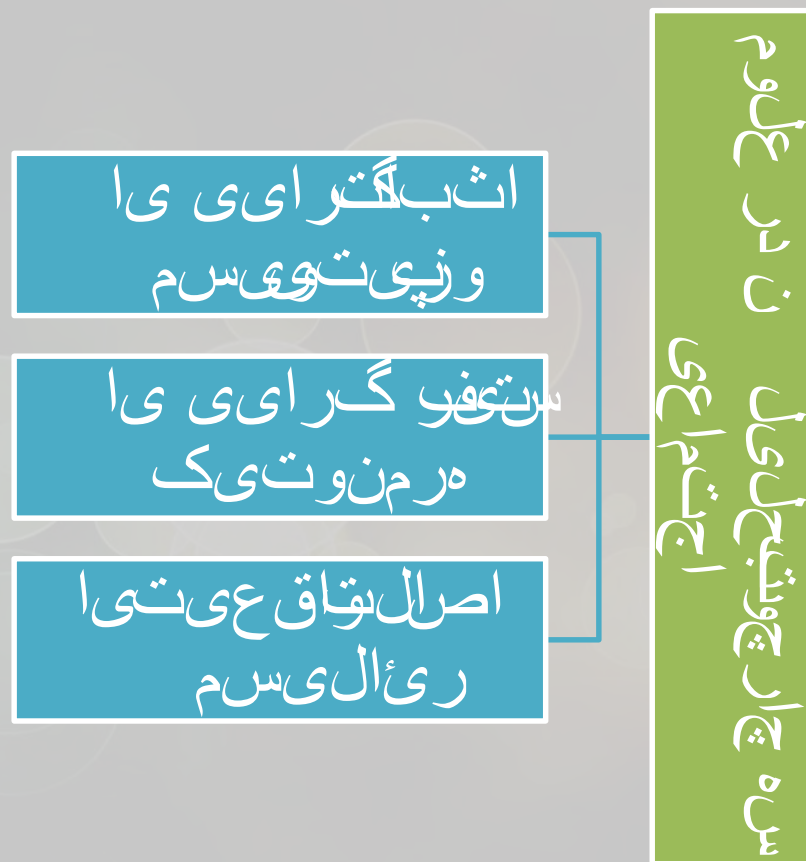
پایه دهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵

تهیه کننده
محبوبه پورشفیعی
سرگروه علوم اجتماعی استان کرمان
قسمت دوم

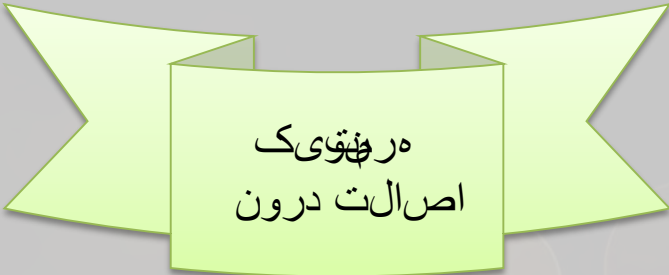
هر مفهوم اجتماعی در پارادایم های کلان اجتماعی قابل تحلیل
است. سه چارچوب تحلیل کلان در علوم اجتماعی داریم:



یک کتاب درسی در هر کدام از این سه حوزه می تواند
نوشته شود.

پوزیتیویسم
اصل‌تبی‌رون

دیدگاه پوزیتیویسم در اندیشه اثبات‌گرانی چون دورکیم و آگوست کنت مشهود است. پدیده‌های اجتماعی را مثل پدیده‌های طبیعی می‌داند و از روش‌های علوم تجربی برای شناخت پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌کند.



هرمنوتیک
اصالت درون

هرمنوتیک یا تفسیرگرایی بر دیدگاه هوسرل و در جامعه شناسی بر دیدگاه کسانی چون وبر و شوتس استوار است. این دیدگاه می گوید: من می اندیشم پس هستم. توجه به ذهن انسان و معانی ذهنی برای تحلیل واقعیت، اساس این دیدگاه را تشکیل می دهد. در این دیدگاه محیط اجتماعی مورد توجه کمی واقع می شود و اصالت اصلی با ذهن است.

رئال‌یسم
تعامل درون و
بیرون

دیدگاه اصالت واقعیت یا رئالیسم؛ هم فرد را
واقعی می‌داند هم محیط را. این دیدگاه
تعامل این دو را قبول دارد. حتی جهان
گیهانی را نیز قبول دارد. جهانی داریم که
یک سر آن در تمام هستی انسان است و سر
دیگرش در جهان بیرون از انسان:

این کتاب (جامعه‌شناسی ۱) بر دیدگاه سوم
یعنی اصالت واقعیت استوار است.

ری‌آل‌سیم
ت‌عامل درون و
بیرون

واقعیت سه سطح دارد همچون کوه یخ:
بخشی که از آب بیرون زده است.
بخشی که درون آب قرار دارد.
بخشی که مشاهده پذیر نیست ولی واقعیت دارد. (علت
العلل تغییرات اجتماعی) همان مکانیزم‌ها و مولدهایی
که باید شناخته شوند.



پیامدهای جهان اجتماعی

فرس ۶

« درهایی که جهان اجتماعی به روی ما می‌گشاید و درهایی که می‌بندد »

عکس بالا دو نوع جهان اجتماعی متفاوت را نشان می‌دهد. سمت چپ جهان اجتماعی در کشورهای صنعتی که زندگی آدمها کاملا تحت تاثیر صنعت و مدرنیسم است با طبیعتی که حذف شده و سمت راست جهان اجتماعی آدمها در شهر یا روستایی با طبیعت بکر و سنتی.

جهان اجتماعی وسیع تر از جامعه و نظام اجتماعی است. جامعه و نظام اجتماعی به کشور با ملاحظات سیاسی و امنیتی اشاره دارد و هستی فکری افراد جامعه را در نظر ندارد ولی جهان اجتماعی به هستی فکری و باورهای افراد جامعه اشاره دارد و از محدودیت های سیاسی و امنیتی فراتر می رود.

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

در درس های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می پردازند و با همین کنش ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می توانیم هر گونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت های ما تأثیر می گذارد؟

ما بدون اراده و اختیار به جهانی پا می گذاریم که گذشتگان آن را ساخته اند و در آن دخالتی نداشتیم. اما هر چه که سطح آگاهی و اختیار ما افزایش می یابد به تغییر این جهان می پردازیم و شرایط جدیدی را برای خود و دیگران فراهم می کنیم اما این شرایط جدید پیامدهایی دارد که برخی از آنها نتیجه کنش های ارادی و اختیارات ماست و برخی از آنها پیامدهای غیرارادی کنش های ماست که مجبوریم بپذیریمشان. هر چه سطح دانش ما افزایش یابد و هر چه دانش ما به حقیقت نزدیک تر شود، قدرت ما برای کنترل پیامدهای کنش هایمان افزایش می یابد و بیشتر پیامدهای کنش هایمان ارادی می شوند.

شاه انوشیروان به موسم دی ا رفت بیرون ز شهر بهر شکارا در سر راه دید مزرعه‌ای ا که در آن بود مردم بسیار ا اندر آن دشت پیرمردی دیدا که گذشته است عمر او ز نودادانه جوز در زمین می کاشت ا که به فصل بهار سبز شود ا گفت کسری به پیرمرد حرص ا که: چرا حرص می زنی چندین؟ ایای های تو بر لب گور است اتو کتون جوز می کتی به زمین ا مرد دهقان به شاه کسری گفت مردم از کاشتن زیان نبرند ادگران کاشتند و ما خوردیم اما بکاریم و دیگران بخورند

(ملک الشعرا بهار)

یکی از جامعه‌شناسان به پرسش بالا این گونه پاسخ می دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ما است. همچنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می کنید؟

دانش آموزان بحث می کنند و معلم آنها را به سمت سهم گذشتگان در جهان اجتماعی امروز ما هدایت می کند. آگوست کنت معتقد است جامعه مجموعه ای از زندگان و مردگان است و جمعیت و سهم مردگان در جامعه بسیار بیشتر از زندگان است. از نظر آگوست کنت، ساختارهای کلان هر جامعه از جریانات تاریخی آن جامعه تاثیر می پذیرند و وابسته به تاریخ و گذشتگاه هستند، نه این که ناگهان در جهان جدید به وجود آمده باشند.

کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل‌گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

کلاس مجموعه‌ای از بخش‌های فیزیکی و انسانی و فکری است. بخش فیزیکی کلاس شامل ساختمانی با تجهیزات مختلف است که مخترعین و طراحان اولیه آنها گذشتگان هستند. ساختمان مدرسه را نیز کسانی ساخته‌اند که ممکن است در حال حاضر زنده نباشند. سبک ساختمان‌سازی، مصالح ساختمان و فضا‌سازی و مکانی که مدرسه در آنجا ساخته شده مربوط به گذشتگان و همچنین معاصران است.

تمام دانش و علمی که در کتب درسی تدریس می‌شوند بر تلاش‌ها و کشفیات و پژوهش‌های پیشینیان استوار است و قسمت بزرگی از دانش امروز هنوز به دست ما نرسیده و بخش اندکی از آنها در کتابها وجود دارند. معاصران نیز بر این دانش افزوده‌اند و دانش روز را به وجود آورده‌اند.

هر کدام از ما زاده پدر و مادرهایی هستیم که خودشان زاده والدینی هستند که به نسل‌های گذشته وابسته‌اند و نحوه زیست و تفکرشان را از گذشتگان وام گرفته‌اند و در قالب فرهنگ به ما منتقل کرده‌اند. ما نیز این فرهنگ را می‌آموزیم و به آیندگان منتقل خواهیم کرد.

امکانات آموزشی‌ای مثل کتاب، تخته، صندلی، کلاس درس، اسناد و مدارک ثبت نام مثل شناسنامه و ... به سبکی کنار هم چیده شده‌اند که گذشتگان در دوره‌هایی خاص طراحی کرده‌اند و مدرسه‌های امروزی را ساخته‌اند. معاصران و ما نیز این سبک را پذیرفته‌ایم و در آن تغییراتی خواهیم داد و به آیندگان منتقل خواهیم کرد.

فرهنگ علم آموزی و مدرسه رفتن نیز یک روزه و در زندگی ما اختراع نشده، گذشتگان این فرهنگ را به تدریج رشد داده‌اند و به شکل امروزی در اختیار ما قرار گرفته است....

بخوانیم و بدانیم

زندگی اجتماعی به مثابه گفت‌وگو

تصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شوید، دیگران پیش از شما آمده‌اند و درگیر بحثی داغ هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنجا رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین هیچ یک از حاضران واجد شرایط لازم نیست که بتواند به شما بگوید این بحث از چه مراحل گذشته است. مدتی می‌تشینید و گوش می‌دهید بعد به این نتیجه می‌رسید که رشته بحث را فرا گرفته‌اید؛ آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگری دفاع از شما بر می‌خیزد و یکی دیگر به صف طرف مقابل شما می‌پیوندد به هر صورت بحث پایان ناپذیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت‌وگو همچنان ادامه دارد.

جهان اجتماعی یا آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به‌دنیا می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.



■ خانه طباطبایی‌ها - کاشان



■ نمونه‌ای از شکل خانه در گذشته

قبلاً از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفتیم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرپناه نیاز داریم، به لانه و سرپناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه می‌سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و ... ، با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی‌اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ نشین، یک‌جانشین و شهرنشین متفاوت می‌شود.

جهان اجتماعی را می‌توان همچون خانهای در نظر گرفت که انسان می‌سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزام‌ها و پیامدهایی برای انسان پدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می‌سازد. ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هر یک از ما صرفاً کنش‌گری منفعل نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند.

هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزوه و کتاب درسی در جلسه امتحان ممنوع است. فرصت‌ها و محدودیت‌های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

- ❑ فرصت آزمون در یک فضای عادلانه و امکان رقابت در شرایط برابر و یکسان. فرصتی برای حفظ کردن مطالب و تقویت حافظه. فرصتی برای نوآوری در زمینه کدگذاری و شیوه‌های متعدد تقویت حافظه و به‌خاطر سپردن.
- ❑ محدودیت: شرایط یکسان برای استعدادها و توانایی‌های نامساوی کار درستی نیست و کسانی که استعداد یک آزمون را ندارند با کسانی که این استعداد را دارند شرایط یکسانی به دست می‌آورند. ایجاد استرس و اضطراب به‌خاطر ناتوانی در حفظ مطالب. صرف وقت زیاد برای حفظ کردن مطالب.

پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟

برخی گمان می‌کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدودکننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

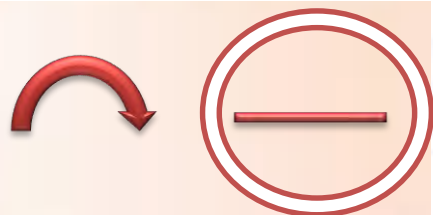
دانش آموزان نظر بدهند دبیر دانش آموزان را راهنمایی کند به سمت این دیدگاه که فرصت‌ها و محدودیت‌ها گریزناپذیر هستند و پیامدهای زندگی در جهان اجتماعی هم فرصت‌ها را ایجاد می‌کنند و هم محدودیت‌ها را. استفاده مناسب از محدودیت‌ها و تبدیل آنها به فرصت‌ها به تلاش و آگاهی کنشگران بستگی دارد.

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بتا می‌کند. بدون این اجزاء هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند کتفا از در، یا کتفا از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر هم‌هانش در و پنجره باشد امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد. منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟

قوانین یک جامعه از یک سو افراد را محدود می‌کنند و از سوی دیگر فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند. مثلاً قانون تحریم تبلیغ سیگار در ایران، کارخانجات دخانیات را برای رشد فعالیت‌هایشان محدود می‌کند و برای سودجویانی که در کار دخانیات قاچاق هستند، فرصت ایجاد می‌کند.

تراکم و افزایش جمعیت یک منطقه فرصتی برای رشد جامعه و افزایش امکانات و اندیشه‌های گوناگون و رشد فکری جامعه است ولی جمعیت زیاد دسترسی به امکانات جامعه و رفاه جامعه را با محدودیت روبرو می‌کند.

به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می افتد؟



بزرگراه‌ها از جمله فرصت‌ها و محدودیت‌ها هستند.

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی

از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟ **عبور ممنوع** **توقف ممنوع** **دور زدن ممنوع** **بوق زدن ممنوع**

آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند یا ایمنی تردد کنند؟ **خیر**

بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی یا آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

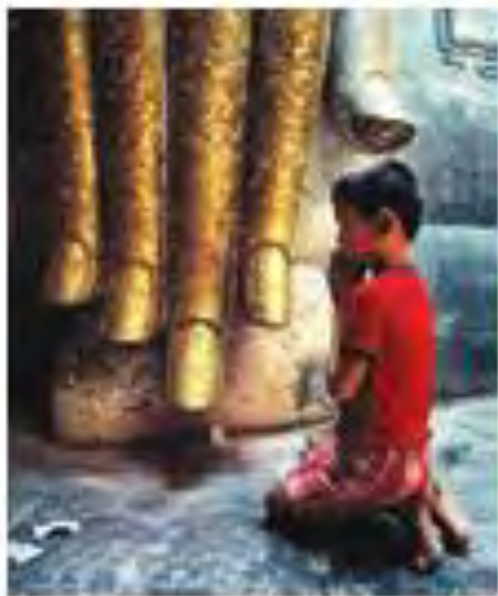
به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند، توجه کنید این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند یا این‌حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط یا هم‌زبانان و میادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد.

بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.

هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و یا رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.^۱

۱- همین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می‌یابد. پیامبر اکرم (ص)



■ بت پرستی



■ تسلط بر طبیعت

بخوانیم و بدانیم

خداوند سبحان در قرآن کریم خانه عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها توصیف می‌کند (سوره عنکبوت آیه ۴۱) تار عنکبوت محکم‌ترین ماده بیولوژیک است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازنده خانه عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هواپیمای جمبوجت را به آسانی حمل کند. شکل خانه عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متحدالمرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارند. با این حال چرا قرآن آن را سست‌ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ خانه عنکبوت و نه تارهای آن سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان. سایه کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تند باد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس تر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضا با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند. خانه عنکبوت وحشی‌ترین خانه‌هاست که در آن خبری از پیوندهای خویشاوندی و عاطفی نیست.

بدین ترتیب از مرغوب‌ترین مصالح و اشکال، سست‌ترین خانه بنا می‌شود. پروردگار، خلقت عنکبوت و خانه‌اش را مذمت نمی‌کند؛ بلکه از آن برای مقایسه استفاده می‌کند. خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانه سستی، همچون خانه عنکبوت پناه برده‌اند.

تأمل کنید

- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، پاره‌ای از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده نام ببرید.
- سعدی در شعر زیر چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را بر می‌شمارد؟

گرت باز باشد دری آسمانی
گر از چنبر آز یازش پرانی
گیاهت نماید گل بوستانی
که نامش برآمد به شیرین زبانی

سعدی

هزاران در از خلق بر خود بیندی
سفرهای علوی کند مرغ جانت
گر از باغ انست گیاهی برآید
همه عمر تلخی کشیده است سعدی

- ❖ در انجام کارهای خانه کمک کنم.
- ❖ تکالیفم مدرسه را انجام دهم.
- ❖ از میهمانان پذیرایی کنم.
- ❖ والدینم مخارجم را پردازند.
- ❖ با من در تصمیمات مشورت کنند.
- ❖ راهنمای من در زندگی باشند.

- ❖ بیت اول: درهای خلق، محدودیت.
- ❖ باز کردن درهای آسمان، فرصت.
- ❖ چنبر آز، محدودیت. سفرهای علوی، فرصت.
- ❖ گیاه باغ انسانیت، فرصت.
- ❖ تلخی‌های عمر، محدودیت. شیرین زبانی، فرصت.

فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف دربارهٔ ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، برشمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

- نظام سیاسی سرمایه داری بر آن حاکم است.
- مالکیت خصوصی باعث رشد سرمایه و تکنولوژی شده است.
- رشد علم باعث افزایش امکانات رفاهی و تفریحی شده است.
- مالکیت خصوصی و سرمایه داری باعث ارزش شدن پول و مادیات تا حد خدا شده است.
- انسانیت و معنویات و وجدان فراموش شده است و همه چیز را جهان مادی تعیین می کند.
- انسان در میان قوانین و دستگاه‌های اداری و رایانه‌ها، محدود شده و قدرتی ندارد.

جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند.

– جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدودهٔ منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی همهٔ ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

– جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایهٔ حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدودهٔ مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌های آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است. اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی قطرت آدمی می‌شود.

جهان متجدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

✚ فرصت‌ها: رشد علم، رشد تکنولوژی، امکان بالا بردن سطح زندگی از طریق تلاش و پشتکار و ...

✚ محدودیت‌ها: ارزشمند ماندن بدون داشتن پول، رشد کردن بدون داشتن پول، تضاد طبقاتی شدید و ...



انسان در بند تکنولوژی



تصویری از فیلم عصر جدید

یکی از متفکرانی که دربارهٔ ویژگی‌های جهان متجدد اندیشیده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد. جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد. در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... را به انسان می‌دهد!

۱- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

از همین آتش، چراغش روشن است
اقبال لامبوری

قوت افرونگ از علم و فن است

در جهان متجدّد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیلهٔ علوم تجربی تعقیب می‌کنند، به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانهٔ معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، افراد خواهان تسلط بر این جهان را به تدریج، اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همهٔ ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

در جهان متجدّد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند و جهان، از هیچ‌گونه قداستی برخوردار نیست. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به‌وسیلهٔ او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

در نگاهش آدمی آب و گل است

کاروان زندگی بی‌منزل است

اقبال لاهوری

جهان متجدّد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می‌رود و داوری دربارهٔ این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرّق سپرده می‌شود. آیا راهی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های یک جهان اجتماعی وجود دارد؟

خیر با علوم تجربی فقط می‌توان جهان مادی را به حیطة دانش و علم در آورد و بعد معنوی زندگی انسان از طریق علوم تجربی قابل بررسی نیست. هرگز از طریق فرمولهای ریاضی و فنون آزمایشگاهی و تئوری‌های فیزیک نمی‌توان پاسخ داد که عشق و تنفر چیست؟ یا نمی‌توان آرامش را ساخت. از طریق فرمول علوم تجربی نمی‌توان بین بنده و خدا رابطه برقرار کرد فقط از طریق تفکر درباره یافته‌های فیزیک و نجوم است که می‌توان خدا را در میان کهکشان‌ها تصور کرد و سیاهچاله‌ها را به نیستی تشبیه کرد. از طریق فلسفه است که می‌توان از فیزیک کوانتوم به بخشی از پاسخ سوالات انسان درباره هستی رسید. ریاضی فقط می‌تواند عدد یک را اثبات کند ولی این فلسفه و ذهن انسان است که عدد یک را خدا می‌خواند و مدعی می‌شود که ریاضیات خدا را اثبات کرده است و ...

فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند، تفسیر کنید.

باید امکانات تماشای فیلم عصر جدید برای دانش آموزان فراهم شود یا حداقل عکس‌های این فیلم در کلاس ارائه شوند و دبیر تئوری از خودبیگانگی مارکس و چیزوارگی لوکاچ را برای دانش آموز توضیح دهد.

در این فیلم چارلی چاپلین کارگری را نشان می‌دهد که در میان چرخ دنده‌ها و بخش‌های مختلف یک کارخانه گم شده است. آنچه اهمیت دارد تولید یک محصول است نه دنیای یک انسان. او بخشی از یک کارخانه است که قرار است پیچ ببندد و وقتی که بیمار شود یا خسته باشد یا نیاز داشته باشد لحظه‌ای دست از کار بکشد که مثلاً دستشویی برود یا آب بخورد، جریان بستن پیچ مختل می‌شود و کارخانه از کار می‌ایستد. انسان معاصر از نظر چارلی چاپلین در جهان سرمایه‌داری فقط یک موجود سه بعدی است که می‌تواند بخشی از محصول مورد نظر سرمایه‌دار را تولید کند. چارلی چاپلین انسان از خودبیگانگی را نشان می‌دهد که فراموش کرده می‌تواند یک گل را دوست داشته باشد، می‌تواند عاشق باشد، می‌تواند خلاقیت داشته باشد یا نقاشی و مجسمه‌بدیعی را بیافریند. جامعه‌شناسان این پدیده را از خودبیگانگی می‌نامند و معتقدند جهان سرمایه‌داری تمام انسان‌های جامعه را در خدمت سرمایه‌داران قرار داده است. فرد سرمایه‌دار است که با پول هایش هستی کارگران را می‌خرد و از تمام عمر آنها برای منافع خودش بهره می‌برد.

چیزوارگی لوکاچ: در دنیای امروز انسان پدیده‌هایی مثل پول، کار، دین، سیاست را می‌سازد تا بهتر زندگی کند ولی اگر نسبت به این پدیده‌ها آگاهی نداشته باشد و فقط مقلد باشد، این پدیده‌ها بر روح و عقل او حکومت خواهند کرد و حتی کارهای او را احمقانه می‌سازند. مثل مسیحیانی که به نام دین، در شب عشاء ربانی شراب را به عنوان مصداق خون مسیح می‌نوشند یا مسلمانانی را در عاشورا قمه بر سر خود می‌زنند. دین اگر آگاهانه نباشد، هفتاد سال عبادتش به اندازه یک ساعت تفکر آگاهانه ارزش ندارد.



● شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۲۵ روزه خرمشهر) و هم‌زمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

ارزیابی جهان‌های اجتماعی

«واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم»

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است؟

مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می کنند، اهداف و ارزش های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، زندگی کردن با یکدیگر، آزادی، عدالت، دفاع از مظلومان و ... ارزش ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی اند. وقتی مردم مطابق ارزش ها عمل کنند، ارزش ها به واقعیت تبدیل می شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش های جهان اجتماعی خود عمل می کنند؟

خیر، همه ما باور داریم که دروغ بد است ولی دروغ می گوئیم. همه کارمندان ادارات اعتقاد دارند که نباید کم کاری کنند، ولی از زیر با مسئولیت فرار می کنند. همه دانش آموزان می دانند تقلب بد است، ولی تقلب می کنند. همه می دانیم باید به قوانین احترام بگذاریم تا نظم و حقوق شهروندان محقق شوند، ولی دابل پارک می کنیم، با سرعت غیرمجاز رانندگی می کنیم و جلوی بیمارستان بوق می زنیم.

هر یک از شما اهداف و ارزش‌هایی را در زندگی خود تعقیب می‌کنید. برخی هدف‌های شما مانند انجام تکالیف درسی امروز، کوتاه مدت‌اند. برخی مانند قبول شدن و به کلاس بالاتر رفتن میان مدت‌اند و برخی مانند تبدیل شدن به یک فرد مفید در جامعه و سعادت دلبوی و اخروی، بلند مدت‌اند. رسیدن به هر کدام از این اهداف و تحقق آنها، وابسته به گنش‌های شماست.

در یک خانواده برای تهیهٔ صبحانه، نظافت‌خانه، تأمین هزینه‌ها، مقابله با سختی‌ها، عروس و داماد کردن بچه‌ها، احترام به یکدیگر و ... هر عضو خانواده مسئولیتی به عهده دارد. اعضای یک جهان اجتماعی نیز، اهداف و ارزش‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند که هر کدام برای تحقق آنها، وظیفه و مسئولیتی را برعهده دارند. آیا تمامی افراد برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها، به مسئولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

خیر بعضی پدرها به خانواده محبت نمی‌کنند ولی بعضی‌ها عاشق همسر و فرزندان‌شان هستند، بعضی مادرها بچه‌هایشان را درک نمی‌کنند و بعضی مادرها بهترین مشاور برای فرزندان‌شان هستند. بعضی زن‌ها در خانه شوهر هیچ کاری انجام نمی‌دهند و بعضی‌ها کدبانوی شایسته هستند، بعضی شوهرها مخارج همسر را نمی‌پردازند ولی برخی برای رفع نیازهای همسرشان از همه مشورت می‌گیرند و بعضی بچه‌ها زحمات پدر و مادرها را هدر می‌دهند و آبروی خانواده را می‌برند. ولی برخی دیگر باعث افتخار و سربلندی خانواده هستند. و ...

به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» می‌گویند. آرمان اجتماعی تصوّر اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و ... است.

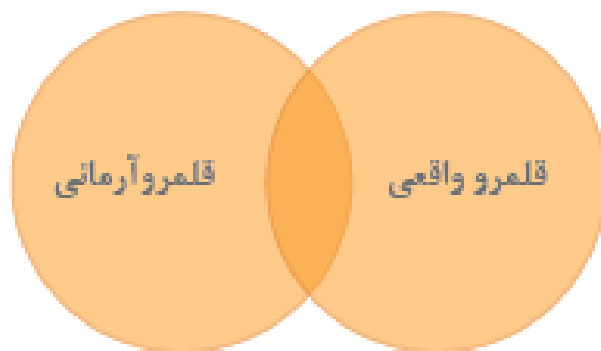


مانند آب که در رودها، نهرها، جوی‌ها و ... جاری است، آرمان جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور است.

آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام، توحید است. جامعه‌ای، آزادی را آرمان خود می‌بیند و جامعه‌ای دیگر عدالت را و ... عموماً انسان‌ها خدمت به هم‌نوعان خود را خوب، و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌شمارند. دروغ‌گویی، رشوه، دزدی را ناروا و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند. بسیاری از ارزش‌های یادشده را اغلب افراد جامعه رعایت می‌کنند و برخی از آنها را بعضی گروه‌ها یا افراد در عمل رعایت نمی‌کنند.

ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آنها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد و ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد.

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آنها براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می‌دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.

بخوانیم و بدانیم

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی افراد عادت دارند که سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نیاورند. از این رو، به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند. این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است، سخنی بگویید که بدان عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صغی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (سوره صافات، آیات ۳ و ۴).



نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از قلمرو واقعی	درون قلمرو واقعی
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکیارستیزی
احترام به حقوق شهروندان	احترام به پدر و مادر
بد دانستن دروغ و غیبت	مهمان نوازی

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟

واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد. اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها درست‌اند تا واقعیت‌ها را در پرتو آنها ارزیابی کنیم؟ **خیر** آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها وجود دارد؟

در سراسر تاریخ، حق و باطل از آرمان‌های بشری بوده و اغلب جهان‌های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند. واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی را براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می‌کنند. گفته شد که واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می‌دهیم. حال، خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟

گفته اند وقتی امام زمان عج ظهور فرمایند، علم بشر به دو بیست و هفتم کل علم عالم رسیده است. بنابراین تا آگاهی محض مسیر درازی را داریم پس نمی‌توانیم با ارزیابی آرمانها مدعی شویم همه چیز را فهمیده ایم، اما جوینده یابنده است و اطلب العلم من المهد الی الحد. با تحقیق و پژوهش در نفس خود و جهان (سیرو فی الافاق و الانفسهم) به حقایق هستی دست خواهیم یافت و آرمان‌ها و اهداف حقیقی را از دروغین تشخیص خواهیم داد. اهدنا اصراط المستقیم. شرط دانستن، تواضع و فروتنی است. این سینا می‌گوید تا بدانجا رسید دانش من / که بدانم همی که نادانم. انسان‌های خودخواه، عقاید خودشان را حقیقت محض می‌دانند در نتیجه از اجتهاد برای رسیدن به حقیقت باز می‌مانند.

آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند؟ **خیر** یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟ **بله**



تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

عقایدی که مردم دربارهٔ انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، قواعدی که براساس آنها عمل می‌کنند، سبک زندگی آنها و مهارت‌هایی که در زندگی به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است.

هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق انسان‌ها و ... از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند.

ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، شرک، دنیاپرستی و ... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.

حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود. علوم تجربی توان دآوری دربارهٔ تکنیک‌ها و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.

حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان دربارهٔ انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند. جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند. از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری دربارهٔ درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم.

علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند دربارهٔ حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همه فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید.

آرمان حق				
.....	راست‌گویی	وفای به عهد

مسئولیت‌پذیری

مبارزه با فقر

احترام به حقوق
همه آفریده‌های خداوند

آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی اند؟

پدیده‌های در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرند و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ مثلاً امنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعهٔ بسامان، در قلمرو واقعی است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌پوشد؛ مثلاً استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد. حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از، پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی اند؟

هستی و انسان ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد، انا لله و انا الیه راجعون. ما از خداییم و سرانجام به سوی خدا هم باز می‌گردیم. پس خدا حقیقت محض و آرمان حقیقی هست ولی انسان‌ها در جوامع مختلف بسته به میزان آگاهی و دانشی که از این حقیقت محض به دست آورده‌اند، به آن نزدیک یا از آن دورند و به همین میزان نیز آرمان‌هایشان حق یا باطل خواهد بود.

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادمجان بورالی پیش آوردند. خوشش آمد و گفت: «بادمجان طعمی است خوش». ندیمی در مدح آن قصی پرداخت. چون سیر شد، گفت: «بادمجان سخت مضر چیزی است». ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مرد کذا نه این زمان مدحش می‌گفتی؟» گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان. مرا چیزی می‌باید گفت که تو را خوش آید، نه بادمجان را».

چاپلوسی همیشه و همه جا عملی ناپسند بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می‌افتد؟

حق و باطل مبهم باقی می‌مانند. آرمان فرد چاپلوس رسیدن به حقیقت نیست بلکه صرفاً به دست آوردن منافع شخصی هست و در این راه حق و باطل را بر اساس منافعش جابه‌جا می‌کند.

برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، وابسته می‌دانند و هیچ حقیقتی را ورای خواست و ارادهٔ افراد به رسمیت نمی‌شناسند. آیا به‌راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها، به تمایلات افراد وابسته است؟

خیر از آنجا که بشر هنوز نتوانسته پاسخ بسیاری از سوالات فلسفی خود را پیدا کند، دانش و آگاهی او ناقص است، بنابراین احتمال خطا و اشتباه در گفتار، رفتار و اندیشه او زیاد است. مولوی در داستان فیلی که در خانه تاریک بود، می‌گوید در کف هر یک اگر شمعی بدی / اختلاف از گفتشان بیرون شدی. منظورش از جمع چراغ دین و سخن خداوند است.



مقاومت

حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود. نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، پول‌پرستی و شرک: از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی‌شود. آزادی انسان‌ها از همه بندها و موانع راه سعادت آنها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان‌ها، توحید و ربوبیت خداوند سبحان نسبت به همه مخلوقات، از عقاید و ارزش‌های حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آنها با موافقت و مخالفت آدمیان تغییر نمی‌یابد. جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آنها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آنها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.

اگر جوامع حقایق را شناسند، و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند، از حق گسسته و به سوی باطل گام بر می‌دارند. بنابراین، حقایق هر چند خود ثابت‌اند؛ ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمایی و واقعی، تغییر پذیرند. یعنی برای جهان‌های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد؛ همان‌گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد. جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آنها، دچار تغییر نمی‌شود.

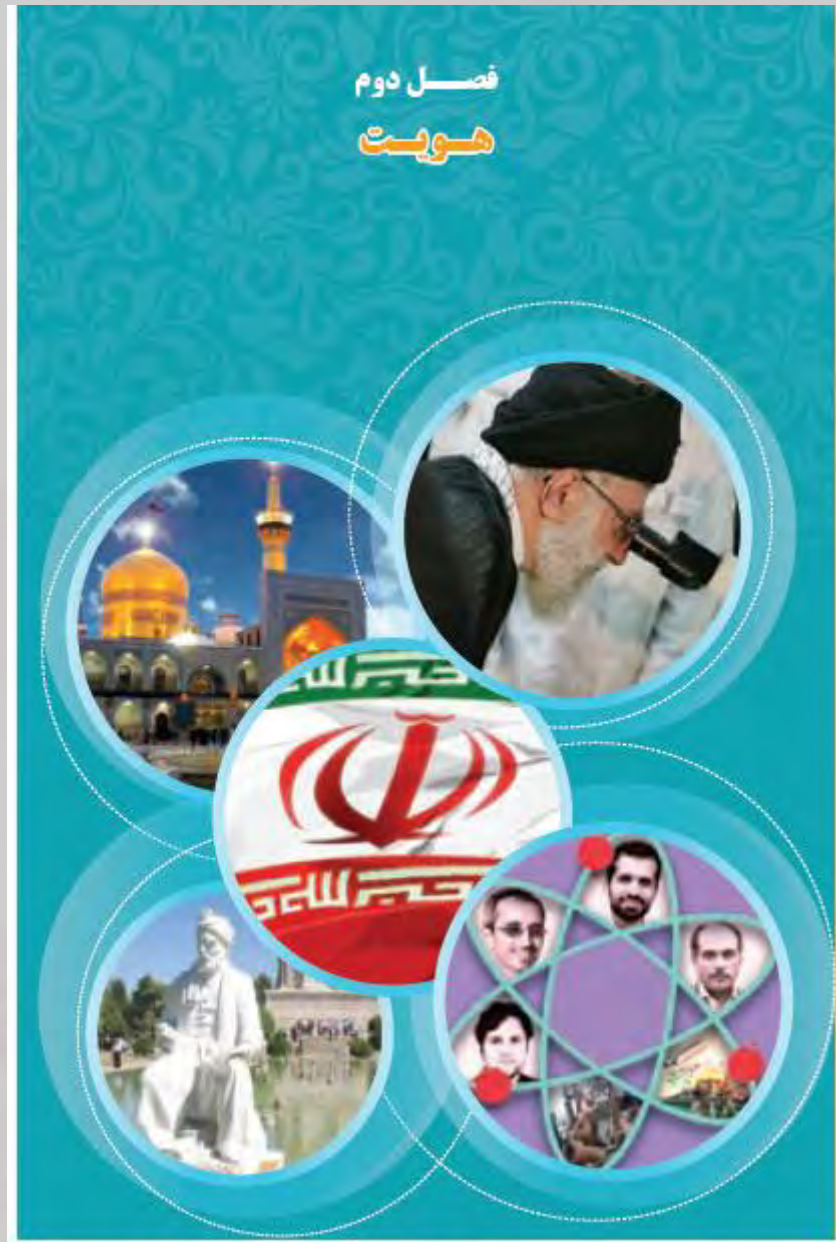
بخوانیم و بدانیم

با ظهور اسلام، تمامی آرزوها و منافعی که از نظر عقلی قابل دفاع نبود، با چالش مواجه شد. یکی از این منافع، تبعیض نژادی بود. در دوران جاهلیت، افراد غیر عرب و سیه چرده از هیچ امتیازی برخوردار نبودند. این گونه افراد، تنها به عنوان برده جهت رفاه حال و منافع اشراف عرب به کار گرفته می‌شدند. پیامبر اکرم (ص) مأمور شدند تا نژادپرستی را طرد کنند. ایشان در طول رسالت خود، در فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف، اعراب را از تفاخرات نسبی و قبیله‌ای بر حذر می‌داشتند و می‌فرمودند: «نسب‌های خود را نزد من نیاورید بلکه عمل‌های خود را بیاورید».

پدیده‌های باطلی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد. آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟

باطل	
قلمرو واقعی	قلمرو آرمانی
تکاتر (مال‌اندوزی)	تکاتر (مال‌اندوزی)
قبیله‌گرایی	قبیله‌گرایی
نژادپرستی	نژادپرستی
سلطه بر جهان	سلطه بر جهان

فصل دوم
هویت





هویت چیست؟

● فصل دوم - هویت

● اهداف فصل دوم

- دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن:
- تمایز، تعامل و تناسب هویت فردی و اجتماعی را با مثال توصیف می‌کند.
- به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود، آگاه می‌شود و برای هویت‌یابی مطلوب، تلاش می‌کند.
- نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت اجتماعی توضیح می‌دهد و به انجام امر به معروف و نهی از منکر رغبت نشان می‌دهد.
- فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که جهان‌های اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید فراهم می‌کنند نقد و ارزیابی می‌کند.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جهان اجتماعی تمیز می‌دهد و رابطه آنها را شرح می‌دهد.
- علل درونی و بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی را بیان می‌کند و با تشخیص تحولات هویتی مثبت و منفی، خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی جهان اجتماعی مسئول می‌داند.
- هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز می‌داند و برای تقویت آن تلاش می‌کند.
- به اهمیت ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی پی می‌برد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌کند.

خدایا این افتخار مرا بس که بنده توام و این هزّت مرا بس که تو خدای منی.
خدایا تو همایی که من می خواهم، مرا آن کن که تو می خواهی.

امام علی (ع)

هویت

«من کیستم؟»

درس ۸

در زمان پاس‌خوبه
این سوال:
دران درون من
خسته دلانم
کسرت/که من
خموشم و او در
فغان و در
غوغاست.

وقتی دچار
سرردگی می
شویم.

وقت‌ی‌فره‌برای
نک‌خاب هم‌رن‌ی‌از
دارد اول‌شخص‌یت
خود‌ش‌بی‌ن‌اس‌د.

وقت‌ی‌بر‌ای‌سی‌دن
به‌خدا، می‌خواهد
جای‌گاه‌خودش‌را
درس‌ت‌ب‌ش‌ن‌اس‌د.

وقتی می‌خواهد
برای درمان‌یک
بی‌ماری روحی،
ریشه‌های
شخصیت‌خود‌را
شناس‌ای‌کند.

در مورد هویت چه می‌دانید؟

در سال گذشته خواندید، آنچه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می‌شود و شخص با آن از اشیا و افراد دیگر متمایز می‌گردد، هویت فرد را تشکیل می‌دهد. هویت با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است. افراد در موقعیت‌های گوناگون، با پرسش «کیستی؟» مواجه می‌شوند، یا از خودشان می‌پرسند: به‌راستی «من کیستم؟»

آیا می‌توانید برخی از این موقعیت‌ها را نام ببرید؟

افراد در پاسخ به پرسش «کیستی؟» خودشان را معرفی می‌کنند و در معرفی خود، به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره می‌کنند: جوان، متولد دوم اسفند ۷۹، ماهوش، مؤمن، گندمگون، وقت‌شناس، خجالتی، صبور، راست‌گو، ایرانی، کشاورز، روستایی و... در جدول زیر، چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

جواب این فعالیت به دانش آموزان واگذار شود و معلم دانش آموزان را راهنمایی می‌کند.

ویژگی‌های من	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
...						
...						
...						
...						

آیا هویتمان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم: ولی بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آن نقش و سهم بسیاری داریم. بعضی ویژگی‌ها هستند که در به‌دست آوردن آنها نقشی نداریم، اما می‌توانیم با تلاش و کوشش خود، آنها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده‌مان به‌دست می‌آوریم و با کنش‌هایمان آن را تغییر می‌دهیم.

آیا هویتمان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند: مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی و... اوست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند: مانند زمان و مکان تولد و... هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت‌سر می‌گذارد: مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم‌سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد: ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد: مثلاً ما تنها با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم: در حالی که زرتنگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی و... ویژگی‌های فردی ما هستند.

روی پیراهن این
نوجوان عبارتهای
فارسی نوشته شده
که هویت ایرانی او
را نشان می دهد.



هویت اجتماعی



هویت فردی

بخوانیم و بدانیم

گفته اند که یوسف را دو چیز بود بر کمال: یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).
خداوند، تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلا گشت و علم وی سبب نجات تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

(رشیدالدین میبیدی)

اگر بخواهید در یک ویلاگ، خود را معرفی کنید، چه می‌نویسید؟

«من بچه شاه عبدالعظیم هستم و در خانه‌ای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام که در هر سوراخش که سر می‌کردی، به یک خانواده دیگر نیز برمی‌خوردی. اینجانب اکنون چهل و شش سال تمام دارم. درست سی و چهار سال پیش یعنی، در سال ۱۳۳۶ شمسی در کلاس ششم ابتدایی مشغول درس خواندن بودم. در آن سال، انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شتافتند و به مصر حمله کردند. بنده هم به عنوان یک پسر بچه ۱۳-۱۲ ساله، تحت تأثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روز روی تخته سیاه نوشتیم: «خلیج عقبه از آن ملت عرب است». وقتی زنگ کلاس را زدند و همه ما سر جایمان نشستیم اتفاقاً آقای مدیرمان آمد تا سری هم به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید، پرسید: «این را که نوشته‌ای؟ صدا از کسی در نیامد. من هم ساکت اما با حالتی پریشان سر جایم نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «آقا اجازه؟ این جمله را فلانی نوشته». آقای مدیر هم کلی سر و صدا کرد و خلاصه اینکه: «چرا وارد معقولات شدی؟» و در آخر گفت: «بیا دم دفتر تا پرونده‌ات را بزنم زیر بغلت و بفرستمت خانه». البته وساطت یکی از معلمان، کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد. من از یک راه طلی شده با شما حرف می‌زنم. خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام رودریایستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بیذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود و حتی از این بالاتر، دانایی نیز با «تحصیل فلسفه» به دست نمی‌آید. باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هرکس به‌راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خویش نیز خواهد یافت. دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم، نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموخته‌ام، از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر. قبل از انقلاب، فیلم نمی‌ساخته‌ام، اگر چه با سینما آشنایی داشتم. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی به چاپ نرسانده‌ام. یا شروع انقلاب تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، ننویسم و دیگر از خودم سخنی به میان نیاوردم «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هرچه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه انسان می‌نویسد، همیشه تراوشات درونی خود او است. همه هنرها این چنین‌اند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثر تراوشات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آنگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم، اما سعی‌ام بر این بوده است.

با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفتیم که برای خدا بیل بزنیم. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به تلویزیون آمدم و در گروه جهاد سازندگی سازمان، مشغول به کار شدیم. حقیر هیچ کاری را مستقلاً انجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده است، سهم کوچکی نیز - اگر خدا قبول کند - به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ. به هر تقدیر، من فعالیت تجاری نداشته‌ام. آرشیوتکت هستم. از سال ۵۸ و ۵۹ تاکنون بیش از یکصد فیلم ساخته‌ام. یک ترم نیز در دانشکده سینما تدریس کرده‌ام که از ادامه تدریس در دانشگاه صرف نظر کردم.

(سید مرتضی آوینی)

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

سال گذشته، هویت فردی را با دو بخش جسمانی و نفسانی شناختیم و از سه بُعد متمایز هویت انسان به شرح زیر سخن گفتیم:

– بُعد جسمانی (بدن) **یا بعد طبیعی**

– بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

– بُعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)

با یادآوری آنچه در سال گذشته خوانده‌اید، برای هر کدام از این ابعاد نمونه بیاورید.

می‌دانید که سه بُعد مذکور از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل یا ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدن ما مجرای ارتباط ما با جهان طبیعی و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جهان اجتماعی و بخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب روابط میان ابعاد مختلف هویت در نمودارهای زیر خلاصه می‌شود. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

جسمانی بر نفسانی

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می شود.
- برخی از بیماری های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می شوند.^۱

۱- برای هر کاری که نیت و اراده آدمی در انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی شود. امام صادق (ع)

نفسانی بر جسمانی

- در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.
- زندگی اجتماعی انسان ها، طبیعت را تهدید می کند. طبیعی بر اجتماعی
- «یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می دهد»^۲. اجتماعی بر طبیعی

۲- این جمله از امام خمینی (ره) است. ایشان خود از افرادی بودند که با تقوای خود توانستند مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازند.

اجتماعی بر نفسانی

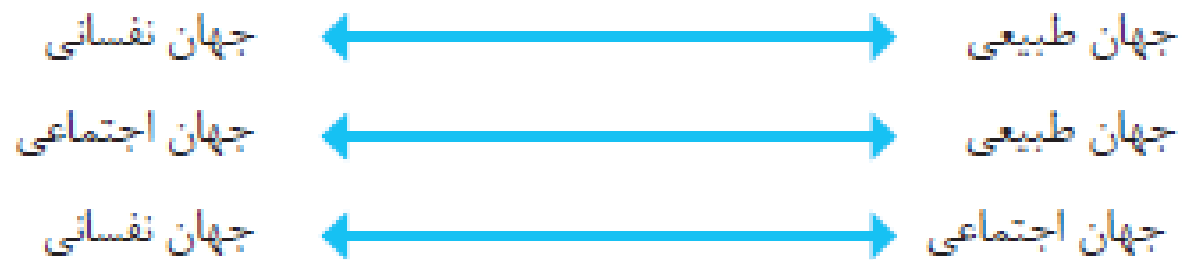
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می شود.

این عکس را دانش آموزان باید تهیه کنند اینجا فقط نمونه ای برای دبیران آورده شده است.

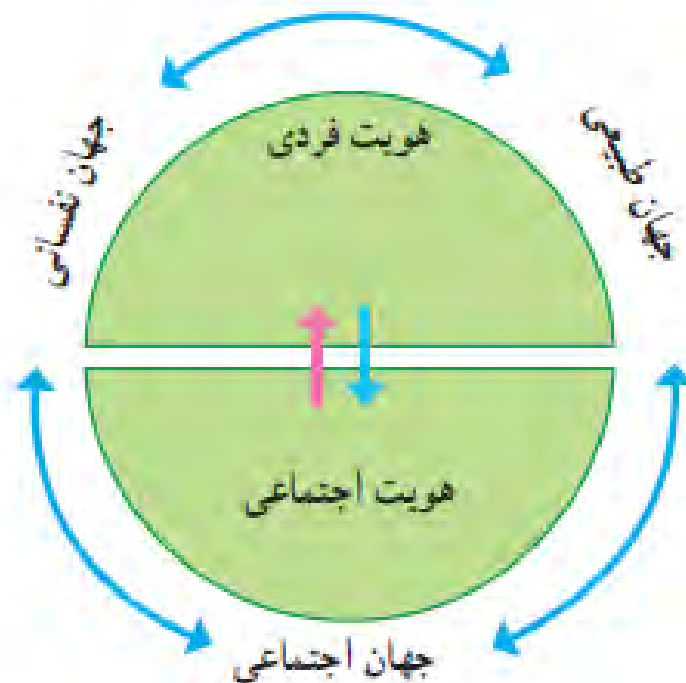


بانوی هنرمند با یک دست - بندر ترکمن





هر شش رابطه بالا را می توان در شکل زیر به صورت یک جا نشان داد.



تاکنون از تمایز ابعاد مختلف هویت و از تعامل آنها با یکدیگر سخن گفتیم ولی پرسش دیگر این است که هویت فردی و اجتماعی چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

براساس آنچه در فصل اول خواندید، هویت هر جهان اجتماعی، براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و قواعد و هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند.

بنابراین:

هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعهٔ قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آنها مشخص می‌شود. در جامعهٔ سرمایه‌داری هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعهٔ دینی هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.



■ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه‌ی خداوند محسوب می‌شود. انسان در طبیعت، خلیفه‌ی خداوند است و خلیفه‌ی خداوند براساس خواست الهی وظیفه‌ی عمران و آبادانی آن را برعهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده‌ی حکیمانه‌ی الهی است، در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.



طبیعت آیت و نشانه خداست و نباید به آن آسیب رساند.

هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند. به عنوان مثال: جهان متجدد به تناسب رویکرد این جهان خود، با آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند، مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، انضباط، تبرج، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی، مال‌اندوزی و... با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند؛ مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توکل و... سازگار نیست. همان‌گونه که هویت فرهنگی جهان متجدد با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی‌تواند با هویت دنیوی جهان متجدد سازگاری داشته باشد.



■ شهید سعید طوقانی که در عملیات بدر موفق به کسب مدال جاویدان شهادت می‌شود.



مقایسه کنید

با کمک دبیر خود، اخلاق ورزش کاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشی جهان جدید (اخلاق گهرمانی) مقایسه کنید و تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزش‌های کلان اجتماعی بیان کنید.

هدف قهرمان گرفتن مدال و کسب رتبه است ولی هدف پهلوان شکوفا کردن ارزش های انسانی و رشد خودشکوفایی شخصیت است. برای قهرمان شدن باید تلاش کرد که مدال طلا را به دست آورد و اول شد و گاهی ورزشکاران در مسابقات برای رسیدن به قهرمانی، دوپینگ می کنند، رشوه می دهند، به بدن رقیب آگاهانه و عمدا آسیب می زنند، با رشوه داوران را می خرند. ولی به مقام اول و قهرمانی می رسند. اما پهلوان کسی است که مدال و کسب رتبه برایش ارزش درجه دوم دارد و در درجه اول، شرافت و انسانیت برایش مهم است.

در زلزله دلخراش بم هادی ساعی مدالهای ارزشمند خود را فروخت و پولش را خرج آسیب دیدگاه زلزله بم کرد. این یعنی مدال در مقابل انسانیت ارزشی ندارد.

خلبان رزمنده ایرانی وقتی برای انهدام یک پل در عراق در جریان جنگ، زمانی را تاخیر داشت در توجیه آن گفت وقتی خواستم پل را بزنم دیدم یک ماشین در حال عبور از روی پل است، مقداری در هوا گردش کردم تا ماشین رفت، بعد پل را زدم.

شیخ محمود خوارزمی معروف به پوریای ولی عارف و شاعر قرن هفتم و هشتم برای رضایت مادر رقیب هندیش خود را در مسابقه ضعیف نشان داد تا رقیب برنده شود و دعای مادرش مستجاب شده باشد.

در یک مسابقه حریف غلامرضا تختی از ناحیه پا آسیب دیده بود و در طول مسابقه تختی هرگز به سمت پای آسیب دیده حریف نرفت و از آن سواستفاده نکرد.

۱- در حال جان کندن و مردن بود.

خود آگاهی یا ناخود آگاهی؟

گفت چون سقراط در نزع اوفتاد'
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد
چون گفن سازیم تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم
گفت گر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمیری دراز
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز

عطار



تحقیقات نشان می‌دهد کودکان خطاهای خود را موجه‌تر از خطاهای دیگران می‌دانند. خطاهای دیگران را عمدی و شایسته مجازات و خطاهای خود را غیرعمدی و بیشتر ناشی از شرایط و تحریک کننده‌های محیطی می‌دانند. محققان ابتدا این امر را ناشی از خودخواهی کودکان می‌دانستند، ولی تحقیقات نشان داد که کودکان درباره عوامل مؤثر بر رفتار خود، نسبت به دیگران اطلاعات بیشتری دارند. از این رو احتمال بیشتری وجود دارد که در توضیح علل رفتار خود، سهم خود را در انجام خطاها کمتر ببینند و بیشتر بر شرایط محیطی تأکید کنند و خود را بی‌تقصیر بدانند. از آنجا که شناختشان از موقعیت دیگران کمتر است، در توضیح رفتار آنها بر سهم خودشان تأکید می‌کنند و آنها را مقصر می‌دانند. کودکان وقتی شناخت بیشتری درباره دیگران به دست می‌آورند، خطاهای آنها را نیز بیش از آنکه عمدی بدانند ناشی از سوء برداشت یا بی‌احتیاطی می‌دانستند. بنابراین هرچه شناخت کودکان از موقعیت خود و دیگران بیشتر می‌شود، قضاوت آنها تغییر می‌کند. ولی پرسش اساسی این است که افراد چقدر خود و موقعیتشان را به درستی می‌شناسند؟

همه افراد تصور می‌کنند هم خودشان را به درستی می‌شناسند و هم موقعیتشان را، در حالیکه کمتر کسی هست که برای شناخت خودش و موقعیتش دست به مطالعه و پژوهش زده باشد. شاید انسان‌ها هنوز هم همان کودکانی باشند که نه خودشان را می‌شناسند و نه موقعیتشان را و به همین دلیل سریع دست به قضاوت می‌زنند و گاهی قضاوت‌هایشان اشتباه است.

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند. بخش دیگر، برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم.

گاهی ما درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و درباره آنها می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت خود، از دیگران کمک می‌گیریم و از والدین و دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سؤال می‌کنیم. نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها بحث می‌کنند و در این باره نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند.

ما تردیدی نداریم که گاه، در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران، دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویشتن، سخن گفته‌اند.



■ سرگستگی انسان



■ ابعاد الهی و فطری هویت انسان در قرآن

آن علم که تو را از تو نستاند، جهل آن بهتر از علم است.

گفت و گو کنید

دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان دربارهٔ غفلت و فراموشی انسان‌ها از هویت واقعی خود، نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود دربارهٔ این نظریات گفت‌وگو کنید.

- یک فرد متولد می‌شود و همزمان با تولد، یک نام، نام خانوادگی، عنوان جنسی، نقش نوزاد، عنوان شهروندی، ملی، طبقاتی، زیستی مثل ضعیف، قوی، زیبا و زشت به او نسبت داده می‌شود.
- آیا انسان فقط همین ابعاد جامعه‌شناختی را دارد که در ابتدای فرهنگ به او داده می‌شود؟
- جامعه‌شناسان می‌گویند هویت یعنی مجموعه پاسخی‌هایی که به سوال من کیستم می‌دهید، ولی جامعه‌شناسان تمام هویت را اجتماعی کرده‌اند، فیلسوفان می‌پرسند: خود هویت کجاست؟

از یهدگاه روشنختی، طننوزاد داروی یک شخصیت یعنی مجموعی از صفات که بختری
 دبتدای نوزادی زوقبولن اسای سهتقد روثنن اسان هوشنوزاد را اندازه مگی رند و او
 را با هوش می خازند. حساس، آرام، هیجانیترس و بیقرار.
 وفتنگرای اننسان رطیجان ای اجتماعی می دازن که فقطبه محرکه ای محیطی اسخ می دهد و
 دارای آگاهی و ارادهست.

ایامبراننسان را دارای یک ذات وفطرت الهی می دازن که آیت تمامنمای خداوند است. او
 دارای اراده است و میتواند نفس اماره نایا تقافس مطمین پی شبرود. حیوانات و
 فشتگانن میتوانند از هوی که موقعتول ددارن دفلصل مگی رند گربه همشگربه می ملد،
 ولی نسان میتولد از حیوانتپستتر و کها رود.

فل سفیه معتقد است فقط یک من (هویت) وجود دارد و آن ذات حقیقتی است یقیه من
 هاجلوه های خداوند سهتقد. هوی بی نیستی بدن (پلیتری نسطح هوی تفرد است تکون ابود
 شدری است.

یازگناه فل سفیه هویت سوبعد دارمخسمانی که همین بدن ضخم و مادی است تیدعل طی فی
 مثال ای که در خواب، امواترا با آن بیندمثال می مییم. سوبعد مجدو تلم یلوح که صورت
 ندارد شکل و اندازه هم دارد. این صورت مجریتوسط اعمال ما ساخته می شود.



باز تولید هویت اجتماعی

«چگونگی شکل گیری و تداوم هویت اجتماعی»

درس ۹

جامعه پذیری چه نقشی در بازتولید هویت اجتماعی دارد؟

در یک کتدوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟ انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جهان اجتماعی دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد. به نظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

هویت فردی افراد اجتماعی مربوط است که در آن زندگی میکنند، هر فرد در جهان رشد از طریق جامعه‌پذیری فرهنگ جامعه را می‌شناسد و می‌پذیرد. جامعه‌پذیری یعنی پذیرش نمادها و منج‌ارها و ارزش‌ها. انسان‌ها انسان‌ها به جامعه‌پذیری فرهنگ پذیری می‌گویند. به‌این ترتیب هویت اجتماعی فرد از طریق انتقال فرهنگ به او به‌تولید می‌شود.

زیرا جوجه تیغی مثل سایر حیوانات قدرت انتقال دانسته هایش را به نسل های بعد ندارد و در واقع به بازتولید فرهنگ و هویت نمی پردازد.

در انگلستان سالانه تعداد زیادی جوجه تیغی در بزرگراه ها و جاده های خارج از شهر، در اثر برخورد با اتومبیل ها کشته می شوند. این جوجه تیغی ها که در جاده ها رقت و آمد می کنند، مطابق غریزه هنگام ترس، در خود جمع می شوند و به صورت یک گلوله تیغی در می آیند. این عمل در طبیعت مانع از آن می شود که جانوران خطرناک به جوجه تیغی ها صدمه بزنند؛ ولی اتومبیل ها بدون توجه، آنها را در زیر چرخ های خود له می کنند و رد می شوند. جوجه تیغی ها می بینند که هموعانشان به این شکل از بین می روند؛ ولی قادر نیستند خود و دیگران را از خطر له شدن زیر چرخ های اتومبیل ها آگاه سازند. چرا؟

به نظر شما چه عاملی در زندگی انسان ها، این خلأ را پر می کند؟

قدرت تفکر انسان، فرهنگ را می پذیرد، آن را در خود تغییر می دهد و به جامعه بر می گرداند. اینگونه به بازتولید فرهنگ و هویت می پردازد.

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیلهٔ نسل‌های قبل از او ایجاد شده است. جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به‌عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد. آیا در مورد فرایند صدور شناسنامه برای نوزادان و نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن چیزی می‌دانید؟

ماده ۱۲ قانون ثبت احوال کشور، ثبت ولادت طفل ایرانی را اجباری کرده است. اصل شناسنامه پدر و مادر و گواهی ولادت از مدارک مورد نیاز می‌باشند. نام کودک نباید توهین آمیز یا زننده باشد.

جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که برعهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، گروه‌های هم‌بازی، مجالس علمی و مذهبی و رسانه‌های جمعی، از دیگر عوامل آشنایی افراد با جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.^۱

۱- در این درس «جامعه‌پذیری» مترادف «فرهنگ‌پذیری» به کار رفته است. «جامعه‌پذیری» همان انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. البته از منظری می‌توان میان آنها فرق گذاشت، که در این درس بدان پرداخته نشده است.

بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کردند. از جمله آنها «فتوت‌نامه بنایان» بود که برخی از عبارت‌های آن به این شرح است:

اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد. با سخاوت و خیر باشد. در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید. با همه کسی به خلق نیکو پیش آید. تنگ حوصله نباشد. فقیر دوست باشد و ...

برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.



جامعه پذیری رسمی و غیررسمی

پاسخ دهید

آیا جامعه‌پذیری در جوامع مختلف، شیوه واحد و ثابتی دارد؟ توضیح دهید.

روش های جامعه پذیری انتقال سینه به سینه یا به واسطه رسانه ها که به دو نام غیررسمی و رسمی خوانده می شوند.

با توجه به تنوع گسترده شیوه های انتقال فرهنگ به نسل بعدی، خیر. جامعه پذیری در جوامع مختلف شیوه واحد و ثابتی ندارد و حتی در یک جامعه افراد مختلف از شیوه های مختلفی برای انتقال فرهنگ و جامعه پذیری استفاده می کنند.

کنترل اجتماعی چه نقشی در باز تولید هویت

اجتماعی دارد؟

خیر

آیا فرایند جامعه پذیری همیشه به طور کامل انجام می گیرد و با موفقیت همراه است؟ آیا افراد می توانند از پذیرش عقاید، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سر باز زنند؟ برخی افراد به طور کامل جامعه پذیر نمی شوند؛ در آن صورت، جامعه برای استمرار و بقا خود چه می کند؟

بله

از تشویق و تبلیغ استفاده می کند و تلاش می کند افراد را قانع کند و اگر نشد به زور متوسل می شود.



کنترل اجتماعی

به نظر شما پدر و مادر صرفاً راه و بیراهه زندگی را به فرزندان خود می آموزند یا مراقبت می کنند تا فرزندان راه را بیمایند و به بیراهه نروند؟
بیشتر پدر و مادرها مراقب فرزندان خود هستند تا به بیراهه نروند.

آیا اولیای مدرسه به یادآوری قواعد و مقررات مدرسه به دانش آموزان بسنده می کنند یا نظارت می کنند تا مقررات اجرا شود؟
نظارت می کنند تا مقررات اجرا شود.

در تمامی بخش های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی، همواره با نظارت و کنترل اجتماعی همراه است و صرفاً به این توصیه بسنده نمی شود که:

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم
تو خواه از سختم، پندگیر خواه ملال

منظور از نظارت و کنترل اجتماعی چیست؟

کنترل اجتماعی به منظور تکمیل جریان جامعه پذیری برای تمام کنشگران انجام می شود زیرا کنشگران انسان هایی آگاه و بااراده هستند و مثل حیوانات نیستند که در بست تمام جنبه های فرهنگ را بدون تغییر بپذیرند. ولی جامعه همیشه در مقابل کنشگرانی که برخی از بخش های جامعه را نمی پذیرند، مقاومت می کند و با استفاده از شیوه هایی مثل تشویق و تنبیه، افراد را وادار می کند تمامی فرهنگ را بپذیرند و اجرا کنند ولی هیچ وقت به طور کامل موفق نمی شود.

استفاده از روشهایی که بتواند جریان جامعه پذیری را کامل کند.

کنترل اجتماعی چرا و چگونه صورت می گیرد؟

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جهان اجتماعی برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آنها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. این افراد به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف انجام می‌دهند. به رفتارهایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کجروی اجتماعی می‌گویند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کجروی اجتماعی را نام ببرید؟

نپرداختن قبض‌های آب و گاز و تلفن و برق



غیبت کردن



سرعت غیرمجاز



هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کجروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد.

- تبلیغ و اقناع: هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آنها قانع شوند.

- تشویق و پاداش: هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند و به آنها پاداش می‌دهد.

- تنبیه و مجازات: هر جهان اجتماعی، کسانی را که دچار کجروی اجتماعی شده باشند، تنبیه و مجازات می‌کند.

اقتناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هرچه قدرت اقتناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقتناعی بیشتری برخوردارند.

تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود. شیوه غیررسمی آن بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد. شیوه رسمی پاداش و مجازات، بیشتر توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

بخوانیم و بدانیم

شاید این پرسش برای شما مطرح شود که کدام یک از روش‌های کنترل اجتماعی مناسب‌ترند؟ بدون شک، هر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارند و ممکن است در عمل با موفقیت یا شکست مواجه شوند. تحقیقات مختلف دربارهٔ چگونگی استفاده از این روش‌ها در خانواده‌ها نشان می‌دهد، والدینی موفق‌ترند که متناسب با رفتار خوب و بد فرزندان خود، به درستی از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ باز تولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.



در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارند و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری هستند. امر به معروف و نهی از منکر روش‌های مختلفی دارد. برخی روش‌های آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیهی است. امر به معروف و نهی از منکر سطوح متفاوتی نیز دارد. در مواردی، همگانی و به عهده همه افراد جامعه است و در برخی موارد، وظیفه سازمان‌های رسمی و حکومتی است. به نظر شما امر به معروف و نهی از منکر در چه مواقعی مسئولیتی همگانی و در چه مواقعی وظیفه نهادها و سازمان‌های رسمی است؟

در مواردی مثل ریختن آشغال روی زمین، اسراف، غیبت کردن، دروغ گفتن، تخریب اموال عمومی و رعایت نکردن قواعد اخلاقی و عفت عمومی، وظیفه همگانی است و در مواقع سرپیچی از قوانین رسمی که مجازات هایشان در قانون مشخص شده، بر عهده سازمان‌های رسمی است.

بخوانیم و بدانیم

در صدر اسلام مسلمانان هنگام احوالپرسی و خداحافظی، سورهٔ عصر را تلاوت می‌کردند. ابتدا یکی از افراد، بخشی از سوره را می‌خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می‌رساند.

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به عصر که آدمی به راستی در تریان است. مگر آنان که ایمان آرند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند

گفت‌وگو کنید

جامعه برای حفظ سلامت عمومی به پزشکان نیازمند است. تحصیل در رشته پزشکی، کاری دشوار است. به نظر شما در جامعه برای جذب افراد به رشته پزشکی چه کارهایی انجام می‌شود؟ برخی پزشکان ممکن است برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل کنند. برخی کجروی‌های پزشکی را نام ببرید و راه‌ها و شیوه‌های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید.

حمایت قانونی و وجود مزایای مالی و اجتماعی بالا گرایش به رشته پزشکی را افزایش می‌دهد.

گرفتن زیرمیزی و پول زیاد از بیمار، دزدیدن کلیه، تجویز داروی غلط - مجازات‌هایی مثل جریمه مالی، پلمپ مطب، اخراج از بیمارستان، باطل شدن مجوز پزشکی



تغییرات هویت اجتماعی

«فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی»

درس ۱۰



3000

تحرک اجتماعی چیست؟

منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد. ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، دربارهٔ او اطلاعاتی به دست می‌آوریم: مانند اینکه با چه کسانی در ارتباط است؛ چه انتظاراتی باید از او داشته باشیم؛ چگونه باید با او رفتار کنیم و ...

کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی چه نوعی می‌تواند داشته باشد؟

افقی، صعودی، نزولی

دانش آموزی دربارهٔ این موضوع که «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» نوشته بود: «داشتم فکر می‌کردم دوست دارم یک مامان خوب و مهربون باشم، شاید بخوام یک خانم دکتر یا یک خانم معلم باشم، شاید هم یک خانم خانه‌دار، راستی دندانپزشک هم خوبه، مددکار هم همین‌طور و ... پیش خودم فکر کردم هر کاره‌ای که باشم، مهم اینه که فردی مفید برای خودم و جامعه‌ام باشم تا پدر و مادرم به وجودم افتخار کنند. به قول مادرم بچه‌ها باقیات الصالحات پدر و مادر و معلمشون! چه بسا من هم باقیات الصالحات آنها شدم. خدا را چه دیدی!»

موضوع «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» چه اهمیتی دارد که برخی معلمان نگارش، اصرار دارند دانش‌آموزان دربارهٔ آن مطلب بنویسند؟ آیا منظور، صرفاً پرسش از شغل آینده آنهاست؟ شما چه برداشتی از این پرسش دارید و چگونه به آن پاسخ می‌دهید؟

معلمان از این طریق دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند درباره موقعیت آینده شان بیندیشند و برای رسیدن به موفقیت از هم اکنون پله های موفقیت را بشناسند و برای رسیدن به موقعیت های پسندیده اجتماعی برنامه ریزی کنند.

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و... می‌پذیرند. با گذر زمان، آنها به گونه‌ای فعال، با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره، هنگامی که مدیر بخشی از اداره می‌شود یا مدیر یک بخش، هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی شغل خود را تغییر می‌دهد، در صورتی که شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی نمونه‌های دیگری مثال بزنید؟

افقی

- راننده تاکسی که مغازه دار می‌شود.
- کارمندی که از بخش کارگزینی به بایگانی منتقل شود.

صعودی

- معلمی که درس بخواند و پزشک شود.
- مغازه داری که کارخانه دار بشود.

نزولی

- رستوران داری که اغذیه فروشی باز کند.
- سرهنگی که اخراج می‌شود.

در همه کشورها رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد ولی رتبه‌بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام و... نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

قدرت بدنی، اصل و نسب، نژاد، امکانات زندگی، محله زندگی، مدالها و رتبه های ورزشی، حزب سیاسی، مدرک تحصیلی، مارک لباس

بخوانیم و بدانیم

مسدود بودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند. باز بودن راه تحرک اجتماعی به معنای امکان دسترسی افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه، به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر است. انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های اقتصادی مانند وراثت، نژاد و ... تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند، نیز شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محرومان جامعه بسته می‌شود. مثلاً در جوامعی که رتبه‌بندی موقعیت‌های اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

تحریک اجتماعی گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در دو نسل (یک فرد نسبت به والدینش) اتفاق می افتد. نمونه هایی از تحریک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.

- ❁ مثالهای اسلایدهای قبل درون نسلی بودند.
- ❁ میان نسلی مثل فرزند یک استاد دانشگاه که کارمند بشود. (نزولی میان نسلی
- ❁ نوه یک کارگر که وکیل می شود.

فرصت ها و محدودیت های تغییرات هویتی کدام اند؟

دانستید اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انتسابی خود آشنا می شوند و به تدریج با فعالیتشان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می آورند. آیا اعضای جهان اجتماعی می توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟

❁ خیر

- ❁ در ایران زنان نمی توانند قاضی، مرجع تقلید یا رهبر باشند.
- ❁ مردان نمی توانند متخصص زنان و زایمان یا مامایی باشند.
- ❁ افراد قد کوتاه نمی توانند شغل های افسری داشته باشند.
- ❁ کسانی که بیماری و معلولیت جسمانی دارند نمی توانند دبیر تربیت بدنی باشند.
- ❁ کسی که سرمایه ای ندارد نمی تواند کارخانه دار باشد.

در جوامع قنودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آنها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب، و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بودند و نه رعیت. به همین دلیل از آنها به طبقه سوم یاد می‌شد که شامل صراف، بنا، کفاش و... بود. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت قواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد. یکی از نویسندگان می‌پرسد که «طبقه سوم چیست؟» و پاسخ می‌دهد «چیزی نیست؛ اما می‌خواهد چیزی بشود.» این طبقه همان طبقه متوسط بود که جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آنها پرداخت و با ارزیابی اشراف با معیار قایده‌مندی آنها را بی‌اعتبار ساخت؛ زیرا خود را تولیدکننده و مفید، و اشراف را مصرف‌کننده و سربار جامعه معرفی می‌کرد. پذیرش این معیار توسط عموم مردم، به پیدایش فرهنگ قایده‌گرایی منجر شد که همه انسان‌ها را صرفاً براساس همین ملاک ارزیابی می‌کرد. این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آنها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آنها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

هر جامعه‌ای، برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی را منع می‌کند. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟

در جامعه ایرانی، هویت افراد شرابخوار پذیرفته نیست و هم از سوی قانون و هم از سوی مردم، مجازات می‌شوند.

در جوامع سرمایه داری، هویت افراد فقیر به شدت سرزنش می‌شود. در هند هویت بودایی پذیرفته و مورد تایید است.

در جوامع دینی هویت مومن ارزشمند است.



تصویر مربوط به « ۱۴ سال پیش هم‌زمان با حضور انگلیس در ایران - بندرعباس

محدودیت: استعمار و تحقیر هویت ایرانی از سوی انگلیسی ها
فرصت: ورود راه آهن و حفر چاه نفت در ایران

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. دربارهٔ جامعهٔ آپارتاید چه می‌دانید؟

آپارتاید یعنی جدا نگه داشتن افراد غیرسفید جامعه از سفیدپوستان و جلوگیری از خروج این افراد از شهرها و محله هایشان که هیچ امکاناتی نداشتند. هیچ حق سیاسی و شهروندی نیز به این افراد سیاه پوست داده نمی‌شد.

جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.

جهانی که حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد.

در یک جهان سکولار، هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد. در این جهان فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی اشاره کرد.

در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد. اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند، اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج انتخابات شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت که مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند. از گفته رئیس‌جمهور آمریکا چه می‌فهمید؟

از بین بردن فرصت‌های تحرک اجتماعی در جامعه الجزایر آن‌طور که مردم می‌خواهند و دخالت در امور سیاسی و اجتماعی الجزایر برای جلوگیری از رشد فرصت‌شکل‌گیری هویت‌های دینی مسلمانان.



تصویر نمایش سیاهان آفریقایی در باغ وحش نیویورک



اعتراضات مردمی در الجزایر

در یک جهان دینی و معنوی نیز، هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جهان اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و ... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلّالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌ها را تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت.

انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب یا سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمت می‌کند؛ زیرا مخرب انسان‌اند.

اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.





■ مجتمع تولیدی مینا

مپنا یک بنگاه اقتصادی ایرانی در بخش خصوصی است با ۴۱ شرکت زیرمجموعه که کارهایی از قبیل توسعه نیروگاه های حرارتی و اجرای پروژه های نفتی و گازی و حمل و نقل ریلی را انجام می دهد.



■ خودکفایی در برداشت محصول گندم



■ تحقیقات در پژوهشگاه رویان

اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نباشد و فراتر از فرصت‌هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی باز می‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

استدلال کنید

آیا هر نوع ابداع و نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر می‌شود؟ برای هر مورد نمونه‌هایی ذکر کنید.

■ خیر اگر از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر نرود، منجر به تعارض فرهنگی نمی‌شود.

■ مد و نوآوری در زمینه پوشش در جامعه ایرانی وقتی فرهنگ عفت و پوشش ایرانی را در نظر بگیریم، تعارض فرهنگی ایجاد می‌کند. ایرانی‌ها حتی در حمام برهنه جلوی یکدیگر نمی‌نشستند و حیا بخشی مهم در فرهنگ ایرانی است.

■ نوآوری در زمینه دانش‌های بنیادین همچون انرژی اتمی و سلول‌های بنیادین پذیرفته شده و تعارض فرهنگی ایجاد نکرده است.



پیشکش وجود مهر جاذبان